

خرید کتاب های کنکور

با تخفیف ویژه

و

ارسال رایگان

Medabook.com



مدابوک



یک جله تماس تلفنی رایگان

با مشاوران رتبه برتر

برای انتخاب بهترین منابع

دبیرستان و کنکور

۰۲۱ ۲۸۴۲۵۲۱۰



تقدیم می‌کنم به عشق بهر بانام (پدرم و مادرم)

به نام خدایی که در این نزدیکی است
لای این شب بویا
پای آن کاج بلند

سیاس آن یگانه پرمهر را که بار دیگر لطفش یاریگر قلمم گشت و توان داد و فرصتی، تا در اقیانوس ژرف شعر و ادب پارسی، صیاد مروارید زیبایی معانی گردم.

خاز دوست کجاست / در خلق بود که پرسید سوار / آسمان کجی کرد / رکع ز شانه نوری که به لب داشت /
به تارکی شن به بخشد بهر گشت / نشان دوا سپداری و گفت / ز سیده بهر درخت / کوچه بانمی است که از خواب خدا /
سبز تر است / و در آن عشق به اندازه پرهای صداقت آبی است

«سهراب سپهری»

آرایه‌های ادبی - که در حوزه قلمرو ادبی می‌گنجد - یکی از موضوعات کاملاً کاربردی است و رویکرد کنکور به این مبحث بسیار سخت‌گیرانه همراه با طرح تست‌هایی کاملاً خلاقانه و مفهومی است. برای تسلط بر این مبحث، ابتدا باید مفهوم هر آرایه را دانست؛ سپس با پاسخ‌گویی به سؤالات و تست‌های متنوع، به یادگیری استحکام بخشید.

قسمت‌های مختلف این کتاب به شرح زیر است:

آشنایی با اصطلاحات ادبی

توضیح کامل اصطلاحاتی چون قافیه، ردیف، موقوف‌المعانی، استفهام انکاری و ...

قالب‌های شعر فارسی

توضیح کامل قالب‌های شعری چون مثنوی، رباعی، چهارپاره و ... همراه با رسم شکل هندسی هر قالب شعری

آرایه‌های ادبی

- ذکر نام آرایه‌های حوزه بیان و بدیع (لفظی و معنوی) در قالب جدول
- توضیح کامل آرایه‌های ادبی با صدها شاهد مثال از کتاب‌های فارسی دهم، یازدهم و دوازدهم و همچنین ابیات معروف خارج از کتاب‌های درسی.
- ارائه فهرستی از واژگان «ایهام برانگیز» در پایان مبحث «ایهام» (با ذکر معانی مختلف)
- شایان ذکر است، در ادامه هر مبحث، بخشی تحت عنوان «چند مرده حلاجی» آمده است که دربردارنده سؤال از مبحث مورد نظر، همراه با پاسخ‌های تشریحی و کوتاه است؛ سپس یک یا چند آزمون ۱۰ تایی جهت سنجش یادگیری آمده است.
- هر شب می‌توانید یک آزمون را به عنوان برنامه شب پاسخ دهید.

فهرست کتابخانه

مفهوم تمام کنایه‌های به کار رفته در کتاب‌های درسی دهم، یازدهم و دوازدهم (با ذکر مصراع یا عبارت مورد نظر) در بخش سوم کتاب ذکر شده است.

بانک تست آرایه‌های ادبی

شامل تست‌های کنکور (۱۳۹۹ - ۱۳۸۷) که طبق الگوهای زیر طبقه‌بندی شده است:

- **الگوی اول:** آرایه‌های ادبی یک بیت مورد ارزیابی واقع می‌شود.
- **الگوی دوم:** دو یا چند آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود.
- **الگوی سوم:** در صورت سؤال، بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام برده می‌شود و ترتیب ابیات مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.
- **الگوی چهارم:** هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال ذکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آرایه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.
- **الگوی پنجم:** یک آرایه در صورت سؤال ذکر می‌شود.

لازم به ذکر است که مخاطب این کتاب تمام دانش‌آموزان کنکوری (کلیه رشته‌ها) هستند؛ به همین سبب درباره تمام آرایه‌های ادبی توضیح کاملی ارائه شده است.

آرایه‌های «لف و نشر، موازنه، ترصیع و انواع سجع» ویژه رشته علوم انسانی است.
دانشن نام انواع استعاره (مصرحه و مکنیه) ضرورتی ندارد، ولی این تقسیم‌بندی به فهم استعاره منجر می‌شود.
با استفاده از اشعار ناب و عبارات پر معنا و ذکر جزئیات و ریزه‌کاری‌های هر تست، هیچ زاویه‌ای از آرایه‌های ادبی نادیده گرفته نشده است. هم‌چنین آوردن ۱۰ آزمون جامع (از کل مباحث) و تمامی تست‌های کنکور قابل استفاده سال‌های اخیر، دانش‌آموز را از هر کتاب تست دیگری بی‌نیاز می‌کند.

در پایان از استاد و دوست گران‌قدردم خانم نسرين باستان جو که سال‌هاست در سایه دانش او مأواگزیده‌ام و دانش‌آموزان خوبم در دبیرستان روشنگران سپاسگزارم، هم‌چنین از ویراستاران خوب مجموعه گاج که با دقت همه‌جانبه خود مرا یاری کردند و هم‌چنین از استاد ارجمند، دکتر رضا اسماعیلی (فرستجانی) که از مشورت با ایشان بهره‌افر برده‌ام، کمال تشکر را دارم.

مانا باشید و مهربان
فرشته صابریان

فهرست مطالب

gajmarket



بخش اول : آشنایی با اصطلاحات ادبی و قالب های شعری

آشنایی با اصطلاحات ادبی..... ۸

قالب های شعر فارسی..... ۱۱

آزمون ۱..... ۱۸

آزمون ۲..... ۱۹

بخش دوم : آرایه های ادبی

تشبیه..... ۲۳

آزمون ۳..... ۲۷

استعاره..... ۲۹

آزمون ۴..... ۳۲

آزمون ۵..... ۳۳

مجاز..... ۳۵

آزمون ۶..... ۳۷

کنایه..... ۳۹

آزمون ۷..... ۴۲

آزمون ۸..... ۴۴

واج آرایه..... ۴۶

آزمون ۹..... ۴۷

تکرار (واژه آرایه)..... ۴۹

آزمون ۱۰..... ۵۰

سجع..... ۵۲

آزمون ۱۱..... ۵۳

موازنه..... ۵۵

آزمون ۱۲..... ۵۶

ترصیع..... ۵۹

آزمون ۱۳..... ۶۱

جناس..... ۶۳

آزمون ۱۴..... ۶۶

اشتقاق..... ۶۸

آزمون ۱۵..... ۶۹

مراعات نظیر..... ۷۱

آزمون ۱۶..... ۷۲

تلمیح..... ۷۴

آزمون ۱۷..... ۷۵

تضمین..... ۷۷

آزمون ۱۸..... ۷۸

تضاد (طباق)..... ۸۰

آزمون ۱۹..... ۸۱

متناقض نما (پارادوکس)..... ۸۳

آزمون ۲۰..... ۸۵

حس آمیزی..... ۸۷

آزمون ۲۱..... ۸۸



آزمون جامع ۳۲ ۱۲۷

آزمون جامع ۳۳ ۱۲۸

آزمون جامع ۳۴ ۱۳۰

آزمون جامع ۳۵ ۱۳۲

آزمون جامع ۳۶ ۱۳۴

آزمون جامع ۳۷ ۱۳۶

آزمون جامع ۳۸ ۱۳۸

آزمون جامع ۳۹ ۱۴۰

آزمون جامع ۴۰ ۱۴۲

بخش سوم: لیست کنایات کتاب‌های درسی

لیست کنایات فارسی دهم ۱۴۵

لیست کنایات فارسی یازدهم ۱۵۷

لیست کنایات فارسی دوازدهم ۱۷۰

بخش چهارم: تست‌های کنکورهای سراسری

الگوی اول: آرایه‌های ادبی یک بیت ۱۹۰

الگوی دوم: دویاچند آرایه در صورت سؤال ۲۰۰

الگوی سوم: در صورت سؤال بیش از دو ۲۰۸

الگوی چهارم: هیچ آرایه‌ای در صورت سؤال ۲۲۷

الگوی پنجم: یک آرایه در صورت سؤال ۲۳۸

پاسخنامه تشریحی ۲۴۶

ایهام ۹۰

آزمون ۲۲ ۹۱

واژگان ایهام‌برانگیز ۹۳

ایهام تناسب ۹۷

آزمون ۲۳ ۹۹

لف و نشر ۱۰۱

آزمون ۲۴ ۱۰۳

اغراق ۱۰۵

آزمون ۲۵ ۱۰۶

حسن تعلیل ۱۰۸

آزمون ۲۶ ۱۱۰

اسلوب معادله ۱۱۲

آزمون ۲۷ ۱۱۴

نماد ۱۱۶

آزمون ۲۸ ۱۱۷

قلب (عکس) ۱۱۹

آزمون ۲۹ ۱۱۹

ضرب‌المثل (تمثیل) ۱۲۲

آزمون ۳۰ ۱۲۳

آزمون جامع ۳۱ ۱۲۵



آرایه‌های ادبی

بیان		گسترده (غیر بلیغ)					
		تشبیه	افزایی اسنادی				
			فشرده (بلیغ)				
		استعاره	مصرّحه				
			مکنّیه	جان بخشی غیر جان بخشی			
		مجاز					
		کنایه					
بدیع		لفظی		واج آرایی - تکرار			
				سجع	مطرّف متوازن متوازی		
					موازنه		
					ترصیع		
				جناس	تام	اختلافی افزایشی حرکتی قلب	
					ناقص		
					اشتقاق		
					قلب (عکس)		
				معنوی		مراعات نظیر - تلمیح - تضمین - تضاد - تناقض - حسن آمیزی - ایهام - ایهام تناسب - لفّ و نشر - اغراق - حُسن تعلیل - اسلوب معادله - نماد - ضرب المثل	

تشبیه

تشبیه، ادعای همانندی میان دو یا چند چیز است.

پایه‌های تشبیه

- ۱ **مشبّه (طرف اول):** پدیده‌ای که آن را به پدیده‌ای دیگر مانند می‌کنیم.
 - ۲ **مشبّه‌به (طرف دوم):** پدیده‌ای که مشبّه را به آن مانند می‌کنیم.
 - ۳ **وجه‌شبه:** ویژگی یا صفت مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به است که در مشبّه‌به پررنگ‌تر و آشکارتر است. (دلیل تشبیه)
 - ۴ **ادات تشبیه:** واژه‌ای (حرف، فعل و ...) است که آن را برای بیان شباهت میان دو پدیده به کار می‌بریم. (چو، مثل، مانند، به‌سان، گویی، به‌کردار و ...)
- توجه:** «چو» و «چون» اگر به معنی مثل و مانند باشند، ادات تشبیه‌اند. اگر معنای «وقتی که» و «زیرا» بدهند، ادات تشبیه نیستند و حرف ربط‌اند.

وجود طرفین تشبیه (مشبّه و مشبّه‌به) در هر تشبیه الزامی است؛ حال آن که ادات تشبیه و وجه‌شبه گاهی حذف می‌شوند.

گشت یکی چشمه ز سنگی جدا / غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
 که به دهان، برزده‌کف چون صدف / گاه چو تیری که رود بر هدف

تشبیه ← مشبّه: چشمه / مشبّه‌به: صدف / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: کف‌آلود بودن
 تشبیه ← مشبّه: چشمه / مشبّه‌به: تیر / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: به سوی هدف رفتن و سرعت

گفت در این معرکه، یکتا منم / تاج سر گلبن و صحرا منم
 تشبیه ← مشبّه: من (چشمه) / مشبّه‌به: تاج

از سال چهارم تا ششم ابتدایی با خسرو هم کلاس بودم ... مثل شاخ شمشاد می‌آمد و سر جای خودش می‌نشست.
 تشبیه ← مشبّه: خسرو / مشبّه‌به: شاخ شمشاد / ادات تشبیه: مثل

عاشق آن باشد که چون آتش بود / گرم‌رو، سوزنده و سرکش بود
 تشبیه ← مشبّه: عاشق / مشبّه‌به: آتش / ادات تشبیه: چون / وجه‌شبه: گرم‌رو، سوزنده، سرکش

اشتر به شعر عرب در حالت است و طرب / گر ذوق نیست تو را، کژطبع جانوری
 تشبیه ← مشبّه: تو / مشبّه‌به: جانور کژطبع / وجه‌شبه: ذوق نداشتن

گرت ز دست برآید چو نخل باش کریم / ورت ز دست نیاید، چو سرو باش آزاد
 تشبیه ← (مصراع اول) مشبّه: تو (محذوف) / مشبّه‌به: نخل / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: کریم

تشبیه ← (مصراع دوم) مشبّه: تو (محذوف) / مشبّه‌به: سرو / ادات تشبیه: چو / وجه‌شبه: آزاد
 خوشبخت آن که مادر دانا به روز و شب / چو نان فرشته بر سر او سایه گسترد

تشبیه ← مشبّه: مادر / مشبّه‌به: فرشته / ادات تشبیه: چو نان / وجه‌شبه: بر سر او سایه گسترد



انواع تشبیه از نظر پایه‌ها (ارکان)

انواع تشبیه (ویژه انسانی)

انواع تشبیه

- گسترده
- اضافی (اضافه تشبیهی)
- فشرده
- غیراضافی (اسنادی)

تشبیه گسترده:

از میان رکن‌های تشبیه، ذکر مشبّه و مشبّه‌به ضروری است؛ اما وجه شبه و ادات تشبیه را می‌توان حذف کرد. به تشبیهی که چهار رکن یا سه رکن را در خود داشته باشد، «تشبیه گسترده» می‌گویند.

تشبیه فشرده:

تشبیهی که فقط دو رکن اصلی یعنی مشبّه و مشبّه‌به را داشته باشد، تشبیه فشرده است. حذف وجه شبه و ادات تشبیه، تشبیه را خلاصه می‌کند. به این نوع تشبیه، «تشبیه بلیغ» نیز می‌گویند. این تشبیه کلام را ادبی‌تر و زیباتر می‌کند.

از این سَد روان در دیده شاه ز هر موجی هزاران نیش می‌رفت

مشبّه مشبّه‌به

تشبیه فشرده گاه به صورت اضافی (مضاف و مضاف‌الیه) و گاه به صورت غیر اضافی به کار می‌رود. (تشبیه‌های غیر اضافی معمولاً به صورت جمله اسنادی هستند.)

چون بتابد آفتاب معرفت از سپهر این ره عالی‌صفت

اضافه تشبیهی ← آفتاب معرفت (مشبّه: معرفت / مشبّه‌به: آفتاب)

تو، آن بلندترین هرمی / که فرعون تخیل می‌تواند ساخت / و من، کوچک‌ترین مور

تشبیه ← مشبّه: تو / مشبّه‌به: بلندترین هرم

اضافه تشبیهی ← فرعون تخیل (مشبّه: تخیل / مشبّه‌به: فرعون)

تشبیه ← مشبّه: من / مشبّه‌به: کوچک‌ترین مور

تا خار غم عشقت آویخته در دامن کوته‌نظری باشد رفتن به گلستان‌ها

اضافه تشبیهی ← خار غم عشق (مشبّه: غم عشق / مشبّه‌به: خار)

این بوم محنت از پی آن تا کند خراب بر دولت آشیان شما نیز بگذرد

اضافه تشبیهی ← بوم محنت (مشبّه: محنت / مشبّه‌به: بوم)

بر تیر جورتان ز تحمّل سپر کنیم تا سختی کمان شما نیز بگذرد

اضافه تشبیهی ← تیر جور (مشبّه: جور / مشبّه‌به: تیر)

تشبیه فشرده غیراضافی (بلیغ) ← ز تحمّل سپر کنیم (مشبّه: تحمّل / مشبّه‌به: سپر)

دست از مس وجود چو مردان ره بشوی تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی

اضافه تشبیهی ← مس وجود (مشبّه: وجود / مشبّه‌به: مس)

اضافه تشبیهی ← کیمیای عشق (مشبّه: عشق / مشبّه‌به: کیمیا)

تو سرو جویباری، تو لاله بهاری **تو یار غمگساری، تو حور دلربایی**
تشبیه فشرده غیراضافی ← تو سرو جویباری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: سرو جویبار)
تشبیه فشرده غیراضافی ← تو لاله بهاری (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: لاله بهار)
تشبیه فشرده غیراضافی ← تو حور دلربایی (= هستی) (مشبه: تو / مشبه‌به: حور دلربا)
«ی» به معنی «هستی» فعل اسنادی است.

مراقب باشید «تو یار غمگساری» را تشبیه نگیرید چون تشبیه نیست. (انسان می تواند یار غمگسار باشد).
گرچه ز شراب عشق مستم **عاشق تر از این کنم که هستم**
اضافه تشبیهی ← شراب عشق (مشبه: عشق / مشبه‌به: شراب)
بهتر است بدانید گاهی در لابه لای کلام، تشبیه پنهان (مضمر یا پوشیده) به کار می رود؛ یعنی در ظاهر کلام تشبیهی مشاهده نمی شود اما با دقت و تأمل در معنی، می توان به تشبیه پی برد؛ مثلاً:

زلف عنبرشکن از روی تو سر می پیچد **چه کند ز آتش اگر زانک پرهیزد مشک**
با دقت و تأمل در بیت فوق درمی یابیم که در حقیقت شاعر «زلف محبوب» را به «مشک» و «روی» را به «آتش» تشبیه کرده است.

نوعی دیگر از تشبیه، تشبیه درون واژه ای است؛ یعنی اجزای برخی از واژه های غیر ساده با هم یک تشبیه را می سازند؛ مثلاً:
دریادل ← آن که دلی بزرگ چون دریا دارد.
شیرزن ← زنی که در شجاعت چون شیر است.
سنگدل ← آن که دلی چون سنگ، سخت دارد.
مهرو ← آن که رویی چون ماه، زیبا دارد.

چند مرده حاجی

تعداد تشبیه و ارکان آن را در ابیات زیر بررسی کنید.

- ۱) تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی آید
 - ۲) این نان و آب چرخ چو سیل است بی وفا
 - ۳) مزرع سبز فلک دیدم و داس مه نو
 - ۴) دوش گفتم بکند لعل لبش چاره من
 - ۵) فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست
 - ۶) صلاهی یوسف گل شد جهان گیر
 - ۷) لب تاد در لطافت لاله سیراب را ماند
 - ۸) تن ت را دید گل، گویی که در باغ
 - ۹) دل ما به دور رویت ز چمن فراغ دارد
 - ۱۰) چون پیاله دلم از توبه که کردم بشکست
- روا داری که من بلبل چو بوتیمار بنشینم؟
من ماهی ام، نهنگم عمامم آرزوست
یادم از کشته خویش آمد و هنگام درو
هاتف غیب ندا داد که آری بکند
کجاست شیردلی کز بلا نپرهیزد؟
زلیخای جوان شد عالم پیر
دلم در بی قراری چشمه سیماب را ماند
چو مستان جامه را بدرید بر تن
که چو سرو پای بند است و چو لاله داغ دارد
همچو لاله جگر بی می و میخانه بسوخت



۱) سه تشبیه ← تو هم چون گل ز خندیدن لب با هم نمی‌آید (مثل گل شکفته، تو هم با خندیدن
مشبه مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه

شکفته هستی)

من بلبل (تشبیه فشرده اسنادی) / من ... چو بوتیمار بنشینم؟ (در ادب فارسی بوتیمار مظهر غم خوردن
مشبه مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه

و کز کردن تنهایی است.)

۲) سه تشبیه ← این نان و آب چرخ چو سیل است بی‌وفا
مشبه مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه

من ماهی‌ام (تشبیه فشرده اسنادی) نهنگم (تشبیه فشرده اسنادی)
مشبه مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به

۳) دو تشبیه ← مزرع سبز فلک (اضافه تشبیه‌ای) / داس مه نو (اضافه تشبیه‌ای)
مشبه‌به مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به

۴) یک تشبیه ← لعل لب (اضافه تشبیه‌ای)
مشبه‌به مشبه‌به

۵) چهار تشبیه ← فراز و نشیب بیابان عشق دام بلاست (تشبیه فشرده اسنادی)
مشبه‌به مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به

بیابان عشق / دام بلا (اضافه تشبیه‌ای) / شیردل (تشبیه درون‌واژه‌ای)
مشبه‌به مشبه‌به ادات تشبیه مشبه‌به

۶) دو تشبیه ← یوسف‌گل (اضافه تشبیه‌ای)
مشبه‌به مشبه‌به

زلیخای جوان شد عالم پیر (تشبیه فشرده اسنادی) (منظور: زمستان رفت و بهار آمد).
مشبه‌به مشبه‌به

۷) دو تشبیه ← لبت تا در لطافت لاله سیراب را ماند
مشبه مشبه‌به وجه‌شبه مشبه‌به ادات تشبیه

دلم در بی‌قراری چشمه سیماب (جیوه) را ماند
مشبه مشبه‌به وجه‌شبه ادات تشبیه

۸) یک تشبیه ← تنت را دید گل ... چو مستان جامه را بدرید بر تن
مشبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه

۹) دو تشبیه ← دل ما ... چو سرو پای‌بند است / ... چو لاله داغ دارد. مشبه: دل (مضروف)
مشبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه ادات تشبیه مشبه‌به وجه‌شبه

۱۰) دو تشبیه ← چون پیاله دلم ... بشکست / همچو لاله جگرم ... بسوخت
ادات تشبیه مشبه‌به مشبه‌به وجه‌شبه ادات تشبیه مشبه‌به مشبه‌به وجه‌شبه

آزمون (۳)

✓ تست ۲۱ تعداد تشبیه در مقابل کدام بیت نادرست ذکر شده است؟

- (۱) بیا که بلبل مطبوع خاطر حافظ به بوی گلبن وصل تو می‌سراید باز (دو)
 (۲) آن را که بوی عنبر زلف تو آرزوست چون عود گو به آتش سودا بسوز و ساز (سه)
 (۳) چنگ بنواز و بساز، ار نبود عود چه باک؟ آتش عشق و دلم عود و تنم مجمر گیر (سه)
 (۴) دل ما را که ز مار سر زلف تو بخت از لب خود به شفاخانه تریاک انداز (دو)

✓ تست ۲۲ در کدام یک از ابیات زیر، ردیف «وجه‌شبه» است؟

- (۱) شیوه و ناز تو شیرین، خط و خال تو ملیح چشم و ابروی تو زیبا، قَد و بالای تو خوش
 (۲) هم‌چو گلبرگ طری هست وجود تو لطیف هم‌چو سمرقمن خلد سراپای تو خوش
 (۳) شکر چشم تو چه گویم که بدان بیماری می‌کند درد مرا از رخ زیبای تو خوش
 (۴) در بیابان طلب گرچه ز هر سو خطری است می‌رود حافظ بیدل به تمتای تو خوش

✓ تست ۲۳ تعداد تشبیه در کدام بیت بیش تر است؟

- (۱) چه فتنه بود که مشاطه قضا انگیخت که کرد نرگس مستش سیه به سرمه ناز
 (۲) چو ماه روی تو در شام زلف می‌دیدم شبنم به روی تو روشن چو روز می‌گردید
 (۳) یا رب آن زاهد خودبین که به جز عیب ندید دود آهیش در آینه ادراک انداز
 (۴) چو بید بر سر ایمان خویش می‌لرزم که دل به دست کمان ابرویی است کافر کیش

✓ تست ۲۴ در کدام بیت هر چهار رکن تشبیه ذکر شده است؟

- (۱) گوش کن پند، ای پسر، وز بهر دنیا غم مخور گفتمت چون دُر حدیثی، گر توانی داشت هوش
 (۲) بوی شیر از لب هم‌چون شکرش می‌آید گرچه خون می‌چکد از شیوه چشم سیهش
 (۳) حافظ غم دل با که بگویم که در این دور جز جام نشاید که بود محرم رازم
 (۴) برآمد فیرگون ابری ز روی نیلگون دریا چو رای عاشقان گردان چو طبع بیدلان شیدا

✓ تست ۲۵ نوع تشبیه بلیغ، در کدام بیت متفاوت است؟

- (۱) کنون چه چاره که در بحر غم به گردابی فساد زورق صبرم ز بادبان فراق
 (۲) من شکسته بدحال زندگی یابم در آن زمان که به تیغ غمت شوم مقتول
 (۳) مرغ روحم که همی زد ز سر سدره صفیر عاقبت دانه خال تو فکنش در دام
 (۴) دلا رفیق سفر بخت نیکخواهت بس نسیم روضه شیراز پیک راهت بس



❖ تست ۲۶ در کدام یک از ابیات زیر، قافیه «مشبه» است؟

- ۱) ای خرم از فروغ رخت لاله‌زار عمر
 ۲) از دیده گر سرشک چو باران چکد رواست
 ۳) تا کی می صبح و شکر خواب بامداد؟
 ۴) در هر طرف ز خیل حوادث کمین گهی است
- بازا که ریخت بی‌گل رویت بهار عمر
 کاندر غمت چو برق شد روزگار عمر
 هشیار گرد هان که گذشت اختیار عمر
 ز آن‌رو عنان گسسته دواند سوار عمر

❖ تست ۲۷ نوع تشبیه در کدام بیت متفاوت است؟

- ۱) عشق بازی کار بازی نیست، ای دل، سر باز
 ۲) حافظ از مشرب قسمت گله نانصافی است
 ۳) باغبان گر پنج روزی صحبت گل بایدهش
 ۴) کمان ابروی جانان نمی‌پیچد سر از حافظ
- زان که گوی عشق نتوان زد به چوگان هوس
 طبع چون آب و غزل‌های روان ما را بس
 بر جفای خار هجران صبر بلبل بایدهش
 ولیکن خنده می‌آید بدین بازوی بی‌زورش

❖ تست ۲۸ در بیت زیر، کدام واژه «مشبه‌به» نیست؟

- رشته صبرم به مقرض غمت بریده شد
 هم‌چنان در آتش مهر تو سوزانم چو شمع

- ۱) رشته ۲) مقرض ۳) مهر ۴) شمع

❖ تست ۲۹ کدام مجموعه از ترکیب‌ها، «اضافه تشبیهی» است؟

- ۱) مزید نعمت - شرط انصاف - مرغ سحر - کلاه شکوفه
 ۲) جیب مراقبت - امید اجابت - دیوار اَمّت - قصه عشق
 ۳) پرده ناموس - کلاه شکوفه - سرور کائنات - درگاه خدا
 ۴) دریای معرفت - شب چهل - شکوفه اشک - آتش عشق

❖ تست ۳۰ در کدام ابیات از «اضافه تشبیهی» استفاده شده است؟

- الف) درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
 ب) هست طومار دل من به درازای ابد
 پ) مرنجان دلم را که این مرغ وحشی
 ت) دیشب به سیل اشک ره خواب می‌زد
 ث) دلا جام و ساقی گل رخ طلب کن
- نهال دشمنی برکن که رنج بی‌شمار آرد
 بر نوشته ز سرش تا سوی پایان تو مرو
 ز بامی که برخاست مشکل نشیند
 نقشی به یاد روی تو بر آب می‌زد
 که چون گل زمانه ندارد بقای

- ۱) الف، ب، ت ۲) الف، ب، پ ۳) ب، ت، ث ۴) ب، پ، ت

استعاره

استعاره یعنی عاریت و وام گرفتن. در اصطلاح ادبی، استعاره، کاربرد واژه‌ای به جای واژه‌ای دیگر به دلیل شباهت در ویژگی یا صفتی مشترک است. به عبارت دیگر، اگر یکی از دو طرف تشبیه (مشبّه یا مشبّه‌به) را برگزینیم و طرف دیگر تشبیه را قصد کنیم، استعاره پدید آمده است؛ مثلاً:

با کاروان حلّه برافتم ز سیستان با حلّه تنیده ز دل بافته ز جان

در مصراع اول، حلّه در معنای حقیقی (جامه حریر) به کار رفته و در مصراع دوم، استعاره از شعر است.

صدفوار گوهرشناسان راز دهان جز به لؤلؤ نکرند باز

«گوهر» استعاره از: سخن ارزشمند / «لؤلؤ» استعاره از: سخن ارزشمند

چون به دریا می‌توانی راه یافت سوی یک شبنم چرا باید شتافت

«دریا» استعاره از: ذات اقدس الهی (عشق الهی) / «شبنم» استعاره از: عشق مجازی یا هر چیز غیر از خدا

صد هزاران سایه جاوید، تو گم شده بینی ز یک خورشید، تو

«خورشید» استعاره از: ذات اقدس الهی / «سایه جاوید» استعاره از: مخلوقات که سایه حق تعالی هستند.

انواع استعاره

مصرحه: تشبیهی که فقط مشبّه‌به آن باقی مانده است.

استعاره

مکنیه:

تشخیص (جان‌بخشی): نسبت دادن ویژگی انسانی به هر چیزی جز انسان

غیرتشخیص: مشبّه‌ای که به همراه یکی از اجزا یا ویژگی‌های مشبّه می‌آید (نسبت دادن ویژگی غیر انسانی).

با مروری به تشبیه، توجه داشته باشید:

تشبیه گسترده ← مشبّه + مشبّه‌به + وجه شبه + ادات تشبیه (سه یا چهار رکن تشبیه وجود دارد).

تشبیه فشرده ← مشبّه + مشبّه‌به

استعاره ← مشبّه یا مشبّه‌به

توجه: دانستن نام انواع استعاره برای دانش‌آموزان غیرانسانی ضرورتی ندارد، ولی این دانش و تقسیم‌بندی به فهم استعاره منجر می‌شود.

تفاوت استعاره مصرحه با تشبیه

تا گل روی تو در باغ لطافت بشکفت پرده صبر من از دامن گل چاک‌تر است

مشبّه‌به مشبّه (تشبیه بلیغ اضافی)

ای گل خوش نسیم من بلبل خویش را مسوز کز سر صدق می‌کند شب همه شب دعای تو

استعاره مصرحه از مهره معشوق

در بیت اول هم مشبّه و هم مشبّه‌به ذکر شده است، ولی در بیت دوم، مشبّه وجود ندارد.

در چراغ دو چشم او زد تیغ نامدش کشتن چراغ دریغ

در مصراع اول، دو چشم به چراغ تشبیه شده است؛ چراغ دو چشم ← اضافه تشبیه. ولی در مصراع دوم،

لفظ چشم ذکر نشده فقط چراغ (مشبّه‌به) گفته شده است، چراغ در مصراع دوم استعاره مصرحه از چشم است.



توجه: معمولاً استعاره مصرحه را «استعاره» می‌گویند.

❖ استعاره مکنیه از نوع تشخیص را «جان‌بخشی» یا «تشخیص» می‌گویند.

❖ استعاره مکنیه غیر تشخیص را «استعاره مکنیه» می‌گویند.

به عبارت دیگر، هرگاه یک ویژگی را به شیء، گیاه، حیوان و ... نسبت بدهیم که متعلق به آن نباشد؛ استعاره مکنیه به وجود می‌آید. حال اگر ویژگی نسبت داده شده، ویژگی انسانی باشد، جان‌بخشی و اگر ویژگی نسبت داده شده، غیر انسانی باشد، استعاره مکنیه شکل گرفته است.

به مثال‌های زیر توجه کنید:

گرچه من خود ز عدم دلخوش و خندان زادم عشق آموخت مرا شکل دگر خندیدن آموختن، ویژگی انسانی است؛ پس جان‌بخشی پدید آمده است.

هر کاو نکاشت مهر و ز خوبی گلی نجید در رهگذار باد نگهبان لاله بود (شاعر، مهر را گیاهی دانسته که کاشته می‌شود).

شاعر، ویژگی کاشتن را به مهر نسبت داده است. این ویژگی متعلق به مهر است؟ خیر/ انسانی است؟ خیر/ پس استعاره مکنیه رخ داده است.

قضا چون ز گردون فروهشت پر همه زیرکان کور گردند و کر شاعر، قضا را پرنده‌ای تصوّر کرده که بال می‌گشاید، پر باز کردن ویژگی قضا (سرنوشت) است؟ خیر، پس استعاره مکنیه به وجود آمده است.

(همه این‌ها روی هم استعاره محسوب می‌گردند.)

چون بگشایم ز سر مو، شکن ماه ببیند رخ خود را به من «مو» استعاره از: آب / «شکن» استعاره از: موج جان‌بخشی — رخ خود (ماه) / ماه رخ خود را ببیند.

ابر ز من حامل سرمایه شد باغ ز من صاحب پیرایه شد «سرمایه» استعاره از: باران / «پیرایه» استعاره از: گل‌ها و گیاهان جان‌بخشی — ابر حامل سرمایه شد. / باغ صاحب پیرایه شد.

بادی که در زمانه بسی شمع‌ها بکشت هم بر چراغدان شما نیز بگذرد «باد» استعاره از: مرگ / «شمع» استعاره از: زندگی / «چراغدان» استعاره از: زندگی / وجود

ای تو رمه سپرده به چوپان گرگ طبع این گرگی شبان شما نیز بگذرد «ومه» استعاره از: مردم / «چوپان» استعاره از: حاکم گرگ صفت / «شبان» استعاره از: حاکم

از این مرز فرخنده مردخیز کنام پلنگان دشمن ستیز «پلنگان» استعاره از: پهلوانان

حالی آن لعل آبدار گشاد پیش آن ریگ آبدار نهاد «ریگ» استعاره از: شر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

شر که آن دید دشنه بازگشاد پیش آن خاک تشنه رفت چو باد «خاک تشنه» استعاره از: خیر (این بیت از داستان خیر و شر نظامی است).

چون رایت عشق آن جهان گیر شد چون مه لیلی آسمان گیر
 «مه» استعاره از: چهره زیبای لیلی
 بنمای رخ که باغ و گلستانم آرزوست بگشای لب که قند فراوانم آرزوست
 «قند» استعاره از: سخن زیبا و دلنشین

هرگاه واژه‌ای جز انسان مورد خطاب واقع شود (منادا شود)، اگر استعاره مصرّحه از خدا یا انسان نباشد، جان بخشی (تشخیص) است.
 به مثال‌های زیر توجّه کنید.

باز امشب ای ستاره تابان نیامدی باز ای سپیده شب هجران نیامدی
 الا ای طوطی گویای اسرار مبادا خالیات شکر ز منقار
 سرت سبز و دلت خوش باد جاوید که خوش نقشی نمودی از خط یار

در بیت اول، هم منظور از «ستاره تابان» و هم منظور از «سپیده شب هجران» یار است، پس این دو، استعاره مصرّحه از یار هستند.
 در دو بیت بعدی «طوطی» مورد خطاب واقع شده است و با توجّه به مصراع دوم، درمی یابیم منظور، یار یا هر چیز دیگر نیست و فقط خود طوطی موردنظر است، پس استعاره مکنّیه به وجود آمده است.

چند مورد حاجی

انواع استعاره را در ابیات و عبارات زیر بیابید و در مورد هر یک توضیح دهید.

- ۱) الهی بر تن و جان‌های ما جز الطاف و مرحمت خود منگار.
- ۲) به صحرا شدم عشق باریده بود.
- ۳) زین کاروان سرای بسی کاروان گذشت
- ۴) بخت آن نکند با من، کان شاخ صنوبر را
- ۵) ای عشق همه بهانه از توست
- ۶) آسمان تعطیل است / بادهای بی‌کارند / ابرها خشک و خسیس / حق هق گریه خود را خوردند
- ۷) گاه تنهایی / صورتش را به پس پنجره می‌چسبانید / شوق می‌آمد / دست در گردن حس می‌انداخت / فکر بازی می‌کرد
- ۸) می‌کند بیخ‌م از جا اشکی که می‌نشاندم
- ۹) در نایسته احسان گشاده است
- ۱۰) گل بخندید و باغ شد پدرام
- می‌زد به جانم آتش آهی که می‌کشیدم
- به هرکس آن چه می‌بایست داده است
- ای خوشای این جهان بدین هنگام

پاسخ

- ۱) استعاره مکنّیه ← نویسنده، تن و جان را صفه‌ای دانسته که قابل نگاشتن است.
- ۲) استعاره مکنّیه ← نسبت دادن باریدن به عشق
- ۳) استعاره مصرّحه ← «کاروان سرا» استعاره از: دنیا / «کاروان» استعاره از: زندگی انسان‌ها
- ۴) استعاره مصرّحه ← «شاخ صنوبر» استعاره از: محبوب



- (۵) استعارهٔ مکنیه از نوع جان‌بخشی ← عشق (مورد خطاب واقع شده است).
 (۶) استعارهٔ مکنیه ← آسمان تعطیل است (نسبت دادن تعطیلی به آسمان)
 استعارهٔ مکنیه از نوع جان‌بخشی ← بادها بی‌کارند / ایرها ... خسیس / هق هق گریهٔ خود (ایر) را خوردند.
 (۷) استعارهٔ مکنیه از نوع جان‌بخشی ← صورت تنهایی / صورت به پنجره چسباندن / آمدن شوق / دست در گردن انداختن شوق / گردن حس / بازی کردن فکر
 (۸) استعارهٔ مکنیه ← شاعر، خود را گیاهی دانسته که در اثر ریختن اشک، بیخ (ریشه)اش از جا کنده می‌شود.
 (۹) استعارهٔ مکنیه ← در نابستهٔ احسان (نسبت دادن در به احسان) شاعر، احسان را بنایی دانسته که در دارد.
 (۱۰) استعارهٔ مکنیه از نوع جان‌بخشی ← خندیدن گل / پدرام (شاداب) شدن باغ

آزمون (۱۴)

✓ تست ۳۱ با توجه به بیت زیر، کدام یک از گزینه‌ها «استعاره» است؟

غمی که چون سپه زنگ مُلک دل بگرفت ز خیل شادی روم رخست زدايد باز
 (۱) سپه زنگ (۲) مُلک دل (۳) خیل شادی (۴) روم رخست

✓ تست ۳۲ در کدام مصراع «استعارهٔ مصرّحه» به کار نرفته است؟

(۱) عاقبت منزل ما وادی خاموشان است (۲) ملک این مزرعه دانی که ثباتی ندهد
 (۳) فروغ چشم و نور دل از آن ماه ختن دارم (۴) به گرد سرو خرامان قامتت نرسیدم

✓ تست ۳۳ در بیت زیر جمعاً چند «استعارهٔ مصرّحه» وجود دارد؟

زّاله از نرگس چکید و برگ گل را آب داد وز تگرگ ناز پرور مالش عَنّاب داد
 (۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) پنج

✓ تست ۳۴ در کدام بیت «ماه» استعارهٔ مصرّحه از «محبوب» است؟

(۱) ای فروغ ماه حسن از روی رخشان شما آبروی خوبی از چاه زنخندان شما
 (۲) آه و فریاد که از چشم حسود مه چرخ در لحد ماه کمان آبروی من منزل کرد
 (۳) ماه شعبان منه از دست قَدح کاین خورشید از نظر تا شب عید رمضان خواهد شد
 (۴) ز اخترم نظری سعد در ره است که دوش میان ماه و رخ یار من مقابله بود

✓ تست ۳۵ در کدام بیت، منادا، استعاره‌ای متفاوت خلق کرده است؟

(۱) بنال بلبل، اگر با منت سر یاری است که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
 (۲) بُتا چون غمزه‌ات ناوک فشانند دل مجروح من پیشش سپر باد
 (۳) بیدار شو ای دیده که ایمن نتوان بود زین سیل دمامد که در این منزل خواب است
 (۴) صبا از عشق من رمزی بگو با آن شه خوبان که صد جمشید و کیخسرو غلام کم‌ترین دارد

✓ تست ۳۶ در کدام شعر «جان‌بخشی» وجود ندارد؟

(۱) من دلم می‌خواهد / دستمالی خیس / روی پیشانی تبادر بیابان بکشم
 (۲) که خورشید / در هر غروب / به زخم ستاره‌گون شقیقه‌ات / اقتدا می‌کند
 (۳) انجیر کهن سرزندگی‌اش را می‌گسترده / زمین باران را صدا می‌زند / گردش ماهی آب را می‌شیرد
 (۴) از ماه بگویم؟ پیش ترها گفته‌اند، / از گل؟ / آه ... / یا من دیر شاعر شده‌ام / یا تو بیش از حد زیبایی

❖ **سؤال ۳۷** در همه ابیات به جز «استعاره» و «تشبیه» به کار رفته است.

- | | |
|-----------------------------------|-------------------------------------|
| هر دم آید غمی از نو به مبارک بادم | ۱) تا شدم حلقه به گوش در میخانه عشق |
| آن‌گه عیان شود که بود موسم درو | ۲) تخم وفا و مهر در این کهنه کشتزار |
| نشاید چو بلبل تماشای باغ | ۳) مرا برف باریده بر پر زاغ |
| بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم | ۴) به عزم توبه سحر گفتم استخاره کنم |

❖ **سؤال ۳۸** در کدام ابیات، دو نوع استعاره متفاوت به کار رفته است؟

- | | |
|-------------------------------------|---|
| مزل آن مه عاشق‌کش عیار کجاست؟ | الف) ای نسیم سحر آرامگه یار کجاست؟ |
| که عشق روی گل با ما چه‌ها کرد؟ | ب) سحر بلبل حکایت با صبا کرد |
| تو آزادی و خلقی در غم رویت گرفتاران | پ) الا ای باد شبگیری بگو آن ماه مجلس را |
| تن زن زمانکی و بیاسای و کم‌گری | ت) ای ابر بهمنی نه به چشم من اندری |

۱) ب، پ ۲) ب، ت ۳) الف، پ ۴) الف، ت

❖ **سؤال ۳۹** با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه، هر دو عبارت «جان‌بخشی» دارند؟

- | | |
|---------------------------------|----------------------------|
| به زلف‌گوی که آیین دلبری بگذارد | ۱) به زلف‌گوی، قلب ستمگری |
| به غمزه‌گوی که قلب ستمگری بشکن | ۲) به زلف‌گوی، به غمزه‌گوی |
| | ۳) آیین دلبری، قلب ستمگری |
| | ۴) آیین دلبری، به غمزه‌گوی |

❖ **سؤال ۴۰** در کدام یک از ابیات زیر، بیش از یک «استعاره» به کار رفته است؟

- | | |
|--------------------------------------|--------------------------------------|
| پیش‌تر ز آن که شود کاسه سر خاک انداز | ۱) خیز و در کاسه زر آب طربناک انداز |
| خلق را از دهن خویش مینداز به شک | ۲) بگشا پسته خندان و شکرریزی کن |
| ز روی دختر گل‌چهر رز نقاب انداز | ۳) به نیم‌شب اگر آفتاب می‌باید |
| که مهر خاتم لعل تو هست همچو عقیق | ۴) اگر به رنگ عقیقی شد اشک من چه عجب |

آزمون (۵)

❖ **سؤال ۴۱** در کدام یک از ابیات زیر، «نرگس» استعاره از «چشم» نیست؟

- | | |
|--|-------------------------------------|
| نیم‌شب دوش به بالین من آمد بنشست | ۱) نرگش عریده‌جوی و لبش افسوس‌کنان |
| مست از می و میخواران، از نرگس مستش مست | ۲) در دیر مغان آمد یارم قدحی در دست |
| خون عاشق به قدح گر بخورد نوشش باد | ۳) نرگس مست نوازشگر مردم‌دارش |
| فروشد تا برآمد یک گل زرد | ۴) هزاران نرگس از چرخ جهانگرد |

❖ **سؤال ۴۲** در کدام بیت «منادا» استعاره مصرحه نیست؟

- | | |
|--------------------------------------|---------------------------------------|
| چون ساغر تیر پر است، بنوشان و نوش کن | ۱) ای نور چشم من سخنی هست گوش کن |
| مشک سیاه مجمره‌گردان خال تو | ۲) ای آفتاب آینه‌دار جمال تو |
| عشاق را به ناز تو هر لحظه صد نیاز | ۳) ای سروناز حسن که خوش می‌روی به ناز |
| باده صاف دائم‌ت در قدح و پیاله باد | ۴) ای مه برج منزلت چشم و چراغ عالمی |

❖ **سؤال ۴۳** با توجه به بیت زیر، در کدام گزینه هر دو عبارت، «استعاره» دارد؟

- | | |
|--------------------------------|---------------------------------|
| غلغل چنگ در این گنبد مینا فکنم | جرعه جام بر این تخت روان افشانم |
| ۱) تخت روان - گنبد مینا | ۲) غلغل چنگ - گنبد مینا |
| ۳) جرعه جام - غلغل چنگ | ۴) جرعه جام - گنبد مینا |



آزمون جامع (۳۹)

❖ تست ۳۸۱ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

آن چه جگرسوز بود باز جگرسازه شود

راز نهان دار و خمش و خمشی تلخ بود

۱) کنایه، حس‌آمیزی، متناقض‌نما، جناس

۲) استعاره، حسن تعلیل، متناقض‌نما، جناس

۳) استعاره، حس‌آمیزی، اسلوب معادله، تکرار

۴) کنایه، حسن تعلیل، اسلوب معادله، تکرار

❖ تست ۳۸۲ در کدام بیت زیر «اسلوب معادله و استعاره» به کار رفته است؟

رو پس نکرد هر که از این خاکدان گذشت

۱) وضع زمانه قابل دیدن دو بار نیست

یک نیزه خون گل ز سر ارغوان گذشت

۲) از دستبرد حُسن تو بر لشکر بهار

آن هم کلیم با تو بگویم چه سان گذشت

۳) بدنامی حیات دو روزی نبود بیش

روز دگر به کندن دل زین و آن گذشت

۴) یک روز صرف بستن دل شد با آن و این

❖ تست ۳۸۳ در تمام عبارات زیر، به جز «سجع و کنایه» به کار رفته است.

۱) به حجت با او پس نیامد، سپر بینداخت و برگشت.

۲) بی‌هنر لقمه چینه و سختی ببند.

۳) لاجرم در پی آن ره به کوشش برد و خون جگر خورد.

۴) جالینوس، ابلهی را دید دست در گریبان دانشمندی زده و بی‌حرمتی همی کرد.

❖ تست ۳۸۴ آرایه درج‌شده در مقابل کدام شعر نادرست است؟

۱) ای دردهامان مشترک / همرنگ / همگام / چشم هوای گریه دارد (ایهام)

۲) و قلب تو / غمگین‌ترین سرود سکوتش را / تا مرز بی‌نهایت تنهایی / می‌خوانده است (متناقض‌نما)

۳) در سکوتی تلخ می‌پرسی / قد کشیده گرد تو دیوارهای شب (حس‌آمیزی)

۴) این صداقت گسترده / ای کاش در بلندی اندیشه‌های تو / یک دم مجال پرزدنی یابد (ایهام تناسب)

❖ تست ۳۸۵ هر دو آرایه ذکرشده در مقابل ابیات به جز بیت درست است.

عقاب دلاور بیفکند پر (کنایه، استعاره)

۱) برفتند از آن جای شیران نر

همی گرد رزم اندر آمد به ابر (اغراق، واج‌آرایی)

۲) بشد تیز ره‌ام با خود و گبر

برآمد ز هر دو سپه بوق و کوس (مجاز، کنایه)

۳) برآویخت ره‌ام با اشکبوس

سر سرکشان زیر سنگ آورد (واج‌آرایی، کنایه)

۴) پیاده ندیدی که جنگ آورد

✓ تست ۳۸۶ در شعر زیر، کدام واژه دارای مفهوم مجازی است؟

از پولادی / که در کوفه / برج آفتاب را دو شق کرد

- ۱) پولاد ☐ ۲) کوفه ☐ ۳) برج ☐ ۴) آفتاب ☐

✓ تست ۳۸۷ در کدام بیت یکی از آرایه‌های ذکرشده در مقابل آن درست نیست؟

- ۱) ولی رادمردان و وارستگان ☐
 ۲) بهاران که شایبش ریزد سپهر ☐
 ۳) فریب جهان را مخور زبنهار ☐
 ۴) پیاپی بکش جام و سرگرم باش ☐
 نیازند هرگز به مردارها (استعاره، حسن تعلیل) ☐
 به دامن گلشن ز رگبارها (تشخیص، استعاره) ☐
 که در پای این گل بود خارها (استعاره، جان‌بخشی) ☐
 بهل گر بگیرند بیکارها (ایهام، مجاز) ☐

✓ تست ۳۸۸ در کدام بیت «تشبیه» وجود ندارد؟

- ۱) جز فراطون خم‌نشین شراب ☐
 ۲) نگشاید دلم چو غنچه، اگر ☐
 ۳) بیا که هاتف میخانه دوش با من گفت ☐
 ۴) تا بر دلش از غصه غباری ننشیند ☐
 سرّ حکمت به ماکه گوید باز؟ ☐
 ساغری از لبش نبوید باز ☐
 که در مقام رضا باش وز قضا مگریز ☐
 ای سیل سرشک از عقب نامه روان باش ☐

✓ تست ۳۸۹ کدام بیت فاقد «استعارهٔ مکنیه» است؟

- ۱) آینه‌ات دانی چرا غمّاز نیست؟ ☐
 ۲) شاخ گل در بند خواری از قد موزون یار ☐
 ۳) به عزم تویه، سحر گفتم استخاره کنم ☐
 ۴) خواهیم شدن به میکده گریان و دادخواه ☐
 زان که زنگار از رُخش ممتاز نیست ☐
 ماه نو در عین خجلت از خم ابروی دوست ☐
 بهار توبه‌شکن می‌رسد چه چاره کنم؟ ☐
 کز دست غم خلاص من آن جا مگر شود ☐

✓ تست ۳۹۰ ابیات زیر را چگونه می‌توان تنظیم کرد که به ترتیب از بالا به پایین، دارای مجاز با مفاهیم

«کاخ، شعر، کشتن و چشم» باشد؟

- الف) عشق با سر بریده گوید راز ☐
 ب) به خون برادر چه بندی کمر؟ ☐
 پ) یک ره ز لب دجله منزل به مداین کن ☐
 ت) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت ☐
 زان که دانند که سر بود غمّاز ☐
 چه سوزی دل پیر گشته پدر؟ ☐
 وز دیده، دوم دجله بر خاک مداین ران ☐
 چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سُفت ☐

- ۱) الف، ب، ت، پ ☐ ۲) ب، الف، پ، ت ☐

- ۳) پ، ت، ب، الف ☐ ۴) ت، پ، الف، ب ☐



آزمون جامع (۴۰)

✓ تست ۳۹۱ آرایه درج شده در مقابل کدام گزینه نادرست است؟

- ۱□ گر دهدت روزگار دست و زبان، زینهار
 ۲□ رفته‌ام عمری است زین گلشن به یاد جلوه‌ای
 ۳□ من عهد تو سخت، سست می‌دانستم
 ۴□ باد بوی سمن آورد و گل و نرگس و بید
- هر چه بدانی مگوی، هر چه توانی مکن (لف و نشر)
 گوش نه بر بوی گل تابش نوی افسانه‌ام (حس آمیزی)
 بشکستن آن درست می‌دانستم (تناقض)
 در دگان به چه رونق بگشاید عطار (مراعات نظیر)

✓ تست ۳۹۲ آرایه درج شده در مقابل کدام بیت نادرست است؟

- ۱□ معشرالجن سورة رحمن بخوان
 ۲□ بر کنار بامی ای مست مدام
 ۳□ ماکه باطن بین جمله کشوریم
 ۴□ چاه مظلم گشت ظلم ظالمان
- تستطیعوا تنفذوا را باز دان (تلمیح)
 پست بنشین یا فرود آ و السلام (ایهام)
 دل بینیم و به ظاهر نگریم (تضاد)
 این چنین گفتند جمله عالمان (اشتقاق)

✓ تست ۳۹۳ در کدام بیت واژه «عالم» در مفهوم مجازی به کار رفته است؟

- ۱□ آن سیه چرده که شیرینی عالم با اوست
 ۲□ آمد شدن تو اندر این عالم چیست
 ۳□ شاه شوریده سران خوان من بی سامان را
 ۴□ هر دو عالم یک فروغ روی اوست
- چشم میگون لب خندان دل خرم با اوست
 آمد مگسی پدید و ناپیدا شد
 زان که در کم خردی از همه عالم بیشم
 گفتمت پیدا و پنهان نیز هم

✓ تست ۳۹۴ هر دو آرایه درج شده در مقابل تمام ابیات به جز درست است.

- ۱□ گفت ای شه، مرگ من از بود اوست
 ۲□ گرچه آن وصلت بقا اندر بقاست
 ۳□ وز ملک هم بایدم جستن ز جو
 ۴□ هالک آید پیش وجش هست و نیست
- خود سیاه این روز من از دود اوست (کنایه، جناس)
 لیک ز اول آن بقا اندر فناست (تکرار، تضاد)
 کل شیء هالک الا وجهه (تضمین، حس آمیزی)
 هستی اندر نیستی خودطرفه‌ای است (تلمیح، متناقض‌نما)

✓ تست ۳۹۵ آرایه‌های «اغراق، تضاد، حس آمیزی، متناقض‌نما، لف و نشر و مراعات نظیر» به ترتیب

در کدام گزینه آمده است؟

- الف) به من آموخت که خاموش بسوزم چون شمع
 ب) سفر کردی چه تلخ‌ای آن که شیرین است گفتارت
 پ) شاید که روح رابعه در من دمیده است
 ت) قصه کفر است و ایمان ظلمت شب نور صبح
 ث) به آیه آیه قرآن، قسم به سورة عصر
 ج) برخیز و بشکن ای دوست بتخانه درون را
- داد فتوا و لب شکوه فرو دوخت مرا
 پریشان کرده‌ای مجموع مشتاقان، خدا حافظ
 کز شعر من گلایه به افلاک می‌رسد
 کاین زمان با جوهر خون بر خط دفتر گذشت
 قسم به تین و به زیتون، به نمل و سجده و نصر
 اینک زمان هجرت از خویش تا برون است

۱□ الف، ج، ت، ب، ث، پ

۲□ الف، ت، ب، پ، ث، ج

۱□ الف، ج، ت، ب، ث، پ

۳□ پ، ج، ب، الف، ت، ث

✓ تست ۳۹۶ آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟

دژ شد در پرتو خورشید جان افروز عشق در سماع سرخ سربازان حق از سر گذشت

□ (۱) استعاره، حسن تعلیل، اغراق، حس آمیزی □ (۲) تشبیه، حسن تعلیل، واج آرایی، حس آمیزی

□ (۳) تشبیه، اسلوب معادله، واج آرایی، پارادوکس □ (۴) استعاره، اسلوب معادله، اغراق، پارادوکس

✓ تست ۳۹۷ در کدام بیت، یکی از آرایه‌های مقابل آن نادرست ذکر شده است؟

□ (۱) برق با شوقم شراری بیش نیست شعله طفل نی سواری بیش نیست (کنایه، واج آرایی)

□ (۲) می‌رود صبح و اشارت می‌کند کاین گلستان خنده‌واری بیش نیست (استعاره، تشخیص)

□ (۳) غرقه و همیم ورنه این محیط از تنک‌آبی کناری بیش نیست (مراعات نظیر، استعاره)

□ (۴) ای شررا از هم‌رهان غافل مباش فرصت مانیز، باری بیش نیست (تشبیه، ایهام)

✓ تست ۳۹۸ در کدام بیت از آرایه تشبیه استفاده شده است؟

□ (۱) جواهر تو بخشی دل سنگ را تو در روی جوهر کشی رنگ را

□ (۲) خرد را تو روشن بصر کرده‌ای چراغ هدایت تو بر کرده‌ای

□ (۳) مهندس بسی جوید از رازشان نداند که چون کردی آغازشان

□ (۴) همه آفریده است بالا و پست تویی آفریننده هر چه هست

✓ تست ۳۹۹ در کدام بیت، واژه مشخص شده «مجاز» نیست؟

□ (۱) پیش دیوار آن چه گویی، هوش دار تا نباشد در پس دیوار گوش

□ (۲) برآشفت ایران و برخاست گرد همی هر کسی کرد ساز نبرد

□ (۳) به یاد روی شیرین بیت می‌گفت چو آتش تیشه می‌زد، کوه می‌سفت

□ (۴) اگر رفت و آثار خیرش نماند نشاید پس از مرگش الحمد خواند

✓ تست ۴۰۰ در کدام بیت، همه «آرایه‌های کنایه، جناس، استعاره، تشخیص و تشبیه» به کار رفته است؟

□ (۱) چرخ مینا شکند شیشه عمر تو به سنگ گر ز مینا می گلرنگ به ساغر نکنی

□ (۲) پیر خمار تو را خشت سر خم نکند تا گل قامتت از باده مخمر نکنی

□ (۳) تو بدین لعل گهربار که داری حیف است که ثنای کف بخشنده داور نکنی

□ (۴) چشم دارم ز لب لعل تو من ای ساقی که براتم به لب چشمه کوثر نکنی

لیست کنایات فارسی دهم

(ستایش (به نام گردگار)

«یار کردن» کنایه از: همراه کردن	الهی فضل خود را یار ما کن
«نظر در کار کسی کردن» کنایه از: حل کردن مشکل کسی، یاری کردن / توجه و عنایت	ز رحمت یک نظر در کار ما کن
«پرده برداشتن» کنایه از: آشکار کردن	حقیقت پرده برداری ز رخسار
«خندان بودن گل» کنایه از: شکفتن گل	گل از شوق تو خندان در بهار است

(درس یکم (چشمه) / کنج حکمت (خلاصه دانش‌ها)

«چهره‌نما» کنایه از: خودنما / جلوه‌گر	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«تیزپا» کنایه از: شتابان و سریع	غلغله‌زن، چهره‌نما، تیزپا
«کف به دهان بر زدن» کنایه از: خشمگین شدن	گه به دهان بر زده کف چون صدف
«تاج سر بودن» کنایه از: مایه افتخار بودن	تاج سر گلبن و صحرا منم
«کلّ مصراع» کنایه از: عزیز شمردن	بوسه زند بر سر و بر دوش من
«ره به پایان بردن» کنایه از: همراهی کردن	در بر من ره چو به پایان برد
«سربه‌گریبان بردن» کنایه از: پنهان شدن از روی خجالت	از خجلی سر به گریبان برد
«همسری» کنایه از: برابری	کیست کند با چو منی همسری
«مست شده» کنایه از: از خود بی خود شده	زین نمط آن مست شده از غرور
«فلک کرده کر» کنایه از: صدای بسیار بلند	نعره برآورده فلک کرده کر
«دیده سیاه کردن» کنایه از: عصبانیت	دیده سیه کرده شده زهره در
«زهره در شدن» کنایه از: ترسناک شدن	دیده سیه کرده شده زهره در
«قدم در کشیدن» کنایه از: دوری کردن / عقب‌نشینی	خواست کزان ورطه قدم در کشد
«برتر کشیدن» کنایه از: نجات دادن / رهاکردن	خویشن از حادثه برتر کشد
«گوش ماندن» کنایه از: ساکت و خاموش شدن	کز همه شیرین سخنی گوش ماند
«قدم به جایی گذاشتن» کنایه از: وارد شدن به جایی	تا قدم به بهشت نگذاشته‌ام
«سیراب شدن» کنایه از: به نهایت رضایت رسیدن	از آب حقیقت علم و حکمت، سیراب شده است.

(درس دوم (از آموختن، ننگ مدار) / روان‌خوانی (دیوار)

«گندم‌نمای جوفروش» کنایه از: دورو و متظاهر / ریاکار	تا گندم‌نمای جوفروش نباشی
«کلّ عبارت» کنایه از: دل و زبانت یکی باشد، ریاکار نباش	به زبان دیگر مگوی و به دل دیگر مدار

لیست کنایات فارسی یازدهم

ستایش (لطف خدا)

به نام چاشنی بخش زبان‌ها	«چاشنی بخش» کنایه از: زیباکننده
حلاوت سنج معنی در بیان‌ها	«حلاوت سنج» کنایه از: زیباکننده
بلند آن سر که او خواهد بلندش	«سر بلندی» کنایه از: برتری یافتن، افتخار
که نی یک موی باشد بیش و نی کم	«یک موی» کنایه از: چیز بسیار اندک و ناچیز
که نی یک موی باشد بیش و نی کم	«یک موی بیش و کم نبودن» کنایه از: کامل بودن / بی نقص بودن
اگر توفیق او یک سو نهد پای	«پای یک سو نهادن» کنایه از: کناره‌گیری از انجام کار، همراه نبودن
بماند تا ابد در تیره‌رایی	«تیره‌رایی» کنایه از: جهالت / گمراهی

درس یکم (نیکی) / گنج حکمت (همت)

که چون زندگانی به سر می‌برد	«به سر بردن» کنایه از: گذراندن، سپری کردن
در این بود درویش شوریده‌رنگ	«شوریده‌رنگ» کنایه از: آشفته حال
شغال نگون بخت را شیر خورد	«نگون بخت بودن» کنایه از: بدبختی و بیچارگی
که روزی رسان قوت روزش بداد	«روزی رسان» کنایه از: خداوند
یقین مرد را دیده بیننده کرد	«بیننده کردن» کنایه از: آگاه و با بصیرت کردن
شد و تکیه بر آفریننده کرد	«تکیه کردن» کنایه از: توکل کردن
کزین پس نشینم به گنجی چو مور	«به گنجی نشستن» کنایه از: بیکار ماندن / دست به کاری نزدن
کزین پس نشینم به گنجی چو مور	«چو مور بودن» کنایه از: ناتوانی
زنخدان فرو برد چندی به جیب	«کل مصراع» کنایه از: تلاش و کوشش نکردن
نه بیگانه تیمار خوردش نه دوست	«تیمار خوردن» کنایه از: کمک کردن
مینداز خود را چو رویاه شل	«خود را انداختن» کنایه از: خود را ناتوان و درمانده نشان دادن
ز دیوار محرابش آمد به گوش	«کل مصراع» کنایه از: الهام غیبی رسیدن
که سعیت بود در ترازی خویش	«کل مصراع» کنایه از: حاصل تلاش خود را خواهی دید.
بگیر ای جوان دست درویش پیر	«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن، یاری رسانی
نه خود را بیفکن که دستم بگیر	«خود را افکندن» کنایه از: اظهار ناتوانی و درماندگی
نه خود را بیفکن که دستم بگیر	«دست گرفتن» کنایه از: کمک کردن و یاری رسانی
کرم ورزد آن سر که مغزی در اوست	«مغز در سر داشتن» کنایه از: دانا بودن / خردمندی



لیست کنایات فارسی دوازدهم

درس یکم (شکر نعمت) / گنج حکمت (گمان)

از دست و زبان که بر آید	«کل مصراع» کنایه از: توانایی
پرده ناموس بندگان به گناه فاحش ندرد	«پرده دیدن» کنایه از: رسوا کردن
تا تو نانی به کف آری و ...	«به کف آوردن» کنایه از: به دست آوردن
یکی از بندگان گنهکار پریشان روزگار	«پریشان روزگار» کنایه از: بیچاره و بدبخت
ایزد تعالی در او نظر نکند	«نظر کردن» کنایه از: عنایت و توجه
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز	«بی‌دل» کنایه از: عاشق
بی‌دل از بی‌نشان چه گوید باز	«بی‌نشان» کنایه از: خداوند (معشوق)
یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود	«سر به جیب مراقبت فرو بردن» کنایه از: در حالت تأمل و تفکر عارفانه خود را از هر چیزی جز خدا حفظ کردن
در بحر مکاشفت مستغرق شده	«مستغرق شدن در چیزی» کنایه از: پی بردن به حقایق
دامن از دست برفت	«دامن از دست رفتن» کنایه از: بی‌اختیاری

درس دوم (مست و هشیار) / شعرخوانی (در مکتب حقایق)

گفت: «مستی، زان سبب افتان و خیزان می‌روی»	«افتان و خیزان رفتن» کنایه از: تعادل نداشتن
گفت: «جرم راه رفتن نیست، ره هموار نیست»	«هموار نبودن راه» کنایه از: اوضاع نامساعد جامعه
گفت: «رو، صبح آی، قاضی نیمه شب بیدار نیست»	«بیدار نبودن» کنایه از: غفلت و ناآگاهی
گفت: «دیناری بده پنهان و خود را وارهان»	«دینار دادن» کنایه از: رشوه خواری
گفت: «پوسیده است، جز نقشی ز پود و تار نیست»	«نقشی ز پود و تار» کنایه از: فقیرانه و پوسیده و نخ‌نما بودن / کهنه
گفت: «آگه نیستی کز سر درافتاد کلاه»	«کلاه از سر افتادن» کنایه از: عدم تعادل، بی ادبی، مستی
گفت: «هی بسیار خوردی، زان چنین بی‌خود شدی»	«بی‌خود شدن» کنایه از: مستی زیاد، بی‌اختیاری
گفت: «هشیاری بیار، این‌جا کسی هشیار نیست»	«هشیار» کنایه از: آگاه
ای بی‌خبر، بکوش که صاحب خبر شوی	«صاحب خبر شدن» کنایه از: شناخت و معرفت پیدا کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	«راهرو بودن» کنایه از: پیروی کردن
تا راهرو نباشی کی راهبر شوی	«راهبر شدن» کنایه از: هدایتگری
دست از مس وجود چو مردان ره بشوی	«دست شستن» کنایه از: ترک کردن
تا کیمیای عشق بیابی و زر شوی	«زر شدن» کنایه از: متعالی شدن / به کمال رسیدن
آن‌که رسی به خویش که بی‌خواب و خور شوی	«به خویش رسیدن» کنایه از: متعالی شدن



الگوی اول

آرایه‌های ادبی یک بیت مورد ارزیابی واقع می‌شود.

- تست ۴۰۱** آرایه‌های ادبی بیت زیر، در کدام گزینه درست آمده است؟ (تجربی ۹۹)
- به روز تیرهٔ ما صبح، شکرخنده‌ها دارد
نمی‌داند که این شادی دم دیگر نمی‌ماند
- ۱) مجاز، استعاره، تضاد، تشخیص
۲) تشخیص، تشبیه، حس آمیزی، ایهام
- ۳) پارادوکس، ایهام تناسب، مجاز، حس آمیزی
۴) تشبیه، حس آمیزی، پارادوکس، استعاره
- تست ۴۰۲** آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟ (عمومی انسانی ۹۹)
- ز مهر روی او عمری است تادم می‌زنی «سلمان»
به مهرش صادقی چون صبح از آن مشهور آفاقی
- ۱) ایهام، استعاره، حس آمیزی، کنایه
۲) ایهام، تشبیه، ایهام تناسب، مجاز
- ۳) حسن تعلیل، ایهام، ایهام تناسب، حس آمیزی
۴) حسن تعلیل، استعاره، ایهام تناسب، جناس ناقص
- تست ۴۰۳** آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟ (افتمصاصی انسانی ۹۹)
- ز باغ حسن خود بر خور که من در سایهٔ سروت
جهانی را ز باغ عشق بر خوردار می‌بینم
- ۱) تشبیه، جناس، ایهام، کنایه
۲) استعاره، مجاز، کنایه، ایهام
- ۳) تشبیه، استعاره، جناس، مجاز
۴) کنایه، ایهام، مجاز، واج‌آرایی
- تست ۴۰۴** آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟ (افتمصاصی انسانی ۹۹)
- تو داری طاق ابرویی که جفتش نیست در عالم
تویی آن کس که در عالم به جفت ابروان طاقی
- ۱) تشبیه، تضاد، ایهام، جناس تام
۲) تشبیه، مجاز، ایهام تناسب، تضاد
- ۳) پارادوکس، جناس ناقص، کنایه، اغراق
۴) استعاره، ایهام، اغراق، پارادوکس
- تست ۴۰۵** آرایه‌های ادبی بیت زیر، تماماً در کدام گزینه درست است؟ (زبان ۹۹)
- در آن تنگ دهن زان عقد دندان حیرتی دارم
که چون در نقطهٔ موهوم این سی‌پاره پنهان شد
- ۱) ایهام، اغراق، استعاره، کنایه
۲) پارادوکس، تشبیه، کنایه، مجاز
- ۳) اغراق، استعاره، تشبیه، واج‌آرایی
۴) حسن تعلیل، واج‌آرایی، استعاره، مجاز
- تست ۴۰۶** آرایه‌های بیت زیر، کدام‌اند؟ (هنر ۹۹)
- ز بند حرص بر آهو چه تازی نفس را چون سگ
به صحرای قناعت رو که بی‌آهوست آن صحرا
- ۱) تشبیه، ایهام تناسب، استعاره، تضاد
۲) تشبیه، مجاز، کنایه، پارادوکس
- ۳) استعاره، ایهام تناسب، مجاز، تضاد
۴) استعاره، پارادوکس، ایهام تناسب، مراعات نظیر
- تست ۴۰۷** آرایه‌های بیت زیر در کدام گزینه درست آمده است؟ (فارع از کشور ۹۹)
- می‌کند خندهٔ خونین به ته پوست نهان
پسته از بس خجل از غنچهٔ خندان تو شد
- ۱) تناقض، اغراق، مجاز، استعاره
۲) کنایه، استعاره، تشخیص، حسن تعلیل
- ۳) اغراق، تشخیص، تشبیه، ایهام تناسب
۴) استعاره، جناس، مجاز، حسن تعلیل
- تست ۴۰۸** آرایه‌های بیت زیر کدام‌اند؟ (فارع از کشور عمومی انسانی ۹۹)
- روشن‌ت گردد اگر خال و خطش را بینی
که چرا روز فراق و شب هجران تار است
- ۱) تشبیه، تضاد، مجاز، استعاره
۲) حسن تعلیل، استعاره، ایهام، پارادوکس
- ۳) استعاره، لَف و نشر، مجاز، تضاد
۴) تشبیه، لَف و نشر، ایهام تناسب، پارادوکس



❖ تست ۴۸۹ در بیت «مال دل از دنیای پوچ بی بقا برداشتیم / یک قلم زین استخوان دل چون هما

(هنر ۸۷)

برداشتیم» کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

- ۱) تشبیه، استعاره، تشخیص، ایهام
۲) کنایه، تشبیه، استعاره، مراعات نظیر
۳) مراعات نظیر، کنایه، ایهام، تشبیه
۴) ایهام تناسب، حس آمیزی، استعاره، تشخیص

❖ تست ۴۹۰ در بیت «چو مرده زنده شوم گر به خنده آب حیات / از آن دو شکر شیرین مقال بگشاید»

(هنر ۸۷)

کدام آرایه‌ها وجود دارد؟

- ۱) تشبیه، ایهام، پارادوکس
۲) تشبیه، حس آمیزی، مجاز
۳) استعاره، تضاد، ایهام
۴) تضاد، استعاره، حس آمیزی

دو یا چند آرایه در صورت سوال ذکر می‌شود.

الگوی دوم

❖ تست ۴۹۱ در کدام بیت همه آرایه‌های «تشبیه، استعاره، جناس» به کار رفته است؟ (ریاضی ۹۹)

- ۱) حافظ در این کمند سر سرکشان بسی است
۲) در چین زلفش ای دل مسکین چگونه‌ای؟
۳) صحن سرای دیده بشستم، ولی چه سود؟
۴) چون پیاله، دلم از توبه که کردم بشکست
سودای کج می‌ز، که نباشد مجال تو
کاشفته گفت باد صبا شرح حال تو
کاین گوشه، نیست در خور خیل خیال تو
همچو لاله، جگرم بی می و خم‌خانه بسوخت

❖ تست ۴۹۲ در کدام بیت «ایهام، ایهام تناسب، تشبیه و استعاره» وجود دارد؟ (تجربی ۹۹)

- ۱) از راه نظر مرغ دلم گشت هواگیر
۲) غیمتی شمر ای شمع، وصل پروانه
۳) مرغ دل باز هوا دار کمان‌برویی است
۴) کسی به وصل تو چون شمع یافت پروانه
ای دیده نگه کن که به دام که درافتاد
که این معامله تا صبحدم نخواهد ماند
ای کبوتر نگران باش که شاهین آمد
که زیر تیغ تو هر دم سری دگر دارد

❖ تست ۴۹۳ در بیت زیر، «چند ایهام تناسب و چند جناس» وجود دارد؟ (عمومی انسانی ۹۹)

- می‌ساختم چو بربط و می‌سوختم چو عود
۱) دو، دو
۲) سه، سه
۳) یک، دو
۴) دو، سه
زیرا که چاره دل من سوز و ساز بود

❖ تست ۴۹۴ کدام بیت، فاقد تشبیه و دارای «مجاز و ایهام» است؟ (اقتصادی انسانی ۹۹)

- ۱) خواهم ز پس پرده تقوا به در افتم
۲) چون بلبل دل سوخته را بال شکستند
۳) نه طره‌ات غم شب‌های تار من دارد
۴) من آن نی‌ام که کند یار اجتناب از من
چندی به زبان همه کس چون خبر افتم
بر طرف چمن باز به پرواز نیاید
نه چشم مست تو فکر خمار من دارد
همیشه صحبت آتش به شمع درگیرد

❖ تست ۴۹۵ در همه ابیات آرایه‌های تشبیه، استعاره و جناس وجود دارد؛ به جز: (اقتصادی انسانی ۹۹)

- ۱) نشد از گوش دلم زمزمه نغمه چنگ
۲) مگذار مطرب را دمی کز چنگ بنهد چنگ را
۳) ای تُرک آتش‌رخ بیار آن آب آتش‌فام را
۴) ای رخت آینه جان، می چون زنگ بیار
تا عنان دل شیدا بشد از چنگ مرا
در آگون ساغر فکن آن آب آتش‌رنگ را
وین جامه نیلی ز من بستان و در ده جام را
تا ز آیینۀ خاطر ببرد زنگ مرا



تست ۵۴۰ در کدام بیت همهٔ آرایه‌های «استعاره، کنایه، مراعات نظیر» وجود دارد؟ (عمومی انسانی ۸۷)

- (۱) این همه بیننده ز نزدیک و دور
(۲) نرگس من چشم و چراغ چمن
(۳) از صفت قامت من کوتهی
(۴) طلعت من خواسته از مه خراج
- کس ننهد آینه در پیش کور
لاله من داغنه یاسمن
یافته آوازه سرو سهی
حرف خجالت‌زده بر لوح عاج

تست ۵۴۱ در کدام بیت آرایه‌های «تشبیه، استعاره، تشخیص، کنایه و مراعات نظیر» به کار رفته

است؟ (افتمامی انسانی ۸۷)

- (۱) آب رخ گل بریخت لاله رخسار تو
(۲) ناله برآمد ز کوه از اثر زاریم
(۳) تا خم زلف تو را دام دلم کرده‌اند
(۴) با همه تیر بلا کامده بر دل مرا
- خرمن بلبل بسوخت زمزمه زار من
تا تو کمر بسته‌ای از پی آزار من
میل خلاصی نکرد مرغ گرفتار من
از مژدهات برگشت بخت نگونسار من

تست ۵۴۲ در همهٔ بیت‌ها، به استثنای بیت، هر دو آرایه «استعاره و تشخیص» به کار رفته

است. (افتمامی انسانی ۸۷)

- (۱) به تیره‌روزی من چشم روزگار گریست
(۲) ز سخت‌جانی آینه حیرتی دارم
(۳) سزد که اهل نظر سینه را نشان سازند
(۴) ز هر طرف به تظلم نیازمندی چند
- ندانم آن مه تابان چه در کمان دارد
که تاپ جلوه آن یار مهربان دارد
که ترک عشوه‌گری تیر در کمان دارد
رخ نیاز بر آن خاک آستان دارد

تست ۵۴۳ در کدام بیت، هر سه آرایه «استعاره، تضاد و کنایه» وجود دارد؟ (فارغ از کشور ۸۷)

- (۱) گلزار رخت هست چنان تازه‌بهراری
(۲) ای زلف تو سر تا قدم آشوب جهانی
(۳) برخاسته‌ایم از سر جان تا بنشینیم
(۴) الف قد تو پیش همه مقبول افتاد
- کاو را خللی نیست ز هر باد خزانی
وی در چمن حسن، قدت سرو روانی
در پای سهی سرو خرامانت زمانی
این نه حرفی‌ست که بر وی قلم رد باشد

تست ۵۴۴ در کدام بیت، همهٔ آرایه‌های «مراعات نظیر، استعاره، تشخیص و جناس» به کار رفته است؟ (فارغ از کشور ۸۷)

- (۱) آن که ندیده حسرتی در همه عمر خویشتن
(۲) آن که به تیغ امتحان ریخت به خاک خون من
(۳) غنچه نوشند او سوخت به یک تبسم
(۴) خاک رهی گزیده‌ام، تا چه بزاید آسمان
- کی به شمار آوزد حسرت بی‌شماره‌ام
کاش برای سوختن زنده کند دوباره‌ام
نرگس نیم‌مست او کشت به یک اشاره‌ام
جیب می گرفته‌ام، تا چه کند ستاره‌ام

در صورت سوال بیش از دو آرایه ادبی (سه تا پنج) نام برده می‌شود و ترتیب ابیات، مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

الگوی سوم

تست ۵۴۵ آرایه‌های «تشبیه، استعاره، حس آمیزی و ایهام تناسب» به ترتیب، در کدام ابیات آمده است؟ (ریاضی ۹۹)

- (الف) چون شب‌نم است بستر و بالین من ز گل
(ب) ناله نی راست صد تنگ شکر در آستین
(ج) چرا از دست می‌رفتم چرا بیمار می‌بودم؟
(د) کجا تاب نگاه گرم دارد سایه پروردی
- در خارزار از نظر پاک‌بین خویش
بندبندش گر پر از شکر نباشد گو مباش
اگر می‌بود بر بالین من سیب زرخدانش
که گردد آفتابی چهره از گلگشت مهتابش
- (۱) ب، الف، د، ج (۲) ب، د، ج، الف (۳) ج، الف، ب، د (۴) ج، الف، د، ب

الگوی چهارم

هیچ آریه‌ای در صورت سؤال ذکر نمی‌شود؛ بلکه نام یک یا دو آریه در مقابل هر بیت نوشته می‌شود.

تست ۶۲۸ آریه‌های زیر ابیات در همه گزینه‌ها تماماً درست است؛ به جز: (ریاضی ۹۹)

- | | |
|--|------------------------------------|
| ناز چندان که می‌ریزد ز سر تا پای تو
(حسن تعلیل، واج‌آرایی) | نازنین تر می‌شوی هر روز از روز دگر |
| کآب گلزار تو از اشک چو گلنار من است
(ایهام، کنایه) | باغبان همچو نسیم ز در خویش مران |
| دیدۀ آهو ز شرم نرگس شهلائی تو
(استعاره، تشبیه) | در غبار خاطر مجنون حصار گشته است |
| هر که یک شب را به روز آورد در سودای تو
(تلمیح، ایهام تناسب) | پرده‌های دیده‌اش پیراهن یوسف شود |

تست ۶۲۹ آریه‌های زیر کدام دو بیت، «کاملاً» درست است؟ (تجربی ۹۹)

- | | |
|---|---|
| خورشید مومیایی ماه شکسته است
(تشبیه، اسلوب معادله) | الف) جام شراب مرهم دل‌های خسته است |
| سهیل سیب زنخداں شراب گلرنگ است
(جناس، تشبیه) | ب) گره‌کشای دل تنگ نغمۀ چنگ است |
| روح بیمار زلیخا همره پیراهن است
(تلمیح، ایهام) | ج) ای صبا بی‌مروت برق تازی واگذار |
| روح تلخ بحر از آب گهر شیرین تر است
(ایهام تناسب، حس آمیزی) | د) پیش ما دشنام جانان از شکر شیرین تر است |

(۱) الف، ب (۲) الف، د (۳) ب، ج (۴) ب، د

تست ۶۳۰ آریه‌های زیر همه ابیات «کاملاً» درست است؛ به جز: (تجربی ۹۹)

- | | |
|--|--|
| کجا مرجان به زور پنجه دریا را نگه دارد؟
(اسلوب معادله، ایهام) | (۱) چه سان مژگان خونین گریۀ ما را نگه دارد |
| این است سودای که به اصل است مطابق
(ایهام تناسب، کنایه) | (۲) پهلو به حیات ابدی می‌زند آن زلف |
| ندارد ور نه جنسی غیر یوسف کاروان ما
(ایهام، استعاره) | (۳) عزیز قدردانی نیست در مصر سخن‌سنجی |
| زکات رنگ به گلشن دهد گدای قدح
(مجاز، تشبیه) | (۴) اگر چه تخم طمع زردرویی آرد، بار |

تست ۶۳۱ آریه‌های زیر همه ابیات تماماً درست است؛ به جز: (عمومی انسانی ۹۹)

- | | |
|--|---|
| ور نه من آزادم از هر سرو بستانی که هست
(استعاره، ایهام) | (۱) راستی را بنده شمشاد بالای توام |
| تو نیز به کشتنم میان درستی
(مجاز، کنایه) | (۲) دیدی که غمت به خون من می‌کوشد |
| همچو ماه چارده در کنج ویران تافته است
(تشبیه، ایهام) | (۳) مهر رخسار تو در جان من شوریده‌دل |
| چین در خم ابروی تو ای ترک ختا چیست؟
(حسن تعلیل، جناس) | (۴) گر زان که نرنجیده‌ای از ما به خطایی |



(فأرجع من كثره ٨٩)

❖ تست ٦٧٢ در کدام بیت، آرایه نسبت داده شده به آن نادرست است؟

- ١) وقت هر کار نگه‌دار که نافع نبود / نوش‌دارو که پس از مرگ به سهراب دهی (تلمیح)
- ٢) حسبِ حالم سخنی بس خوش و موزج یاداست / عرضه دارم اگر رخستِ اطناب دهی (تضاد)
- ٣) مده از دست کنون فرصت امکان چو تو را / دست آن هست که داد دل احباب دهی (مجاز)
- ٤) به دل دشمن اگر خود بُود از آهن و روی / چون به هیبت نگری لرزش سیماب (=جیوه) دهی (حسن تعلیل)

(اقتصادی انسانی ٨٧)

❖ تست ٦٧٣ آرایه مطرح شده در مقابل کدام بیت درست است؟

- ١) بادت به دست باشد اگر دل نهی به هیچ / در معرضی که تخت سلیمان رود به باد (حسن تعلیل)
- ٢) لبث بدیدم و لعلم بیوفتاد از چشم / سخن بگفتی و قیمت برفت لؤلؤ را (استعاره)
- ٣) نرگس من چشم و چراغ چمن / لاله من داغ نه یاسمن (موازنه)
- ٤) مرا اگر تو ندانی عطاردم داند / که من کیم ز سر کلک من چه کار آید (مراعات نظیر)

یک آرایه در صورت سوال ذکر می‌شود.

الگوی پنجم

(ریاضی ٩٩)

❖ تست ٦٧٤ تعداد تشبیهات کدام بیت بیش تر است؟

- ١) واله و شیداست دائم همچو بلبل در قفس / طوطی طبعم ز عشق شکر و بادام دوست
- ٢) بمال بر لب خونخوار حرص، خاک قناعت / وگرنه تشنگی افزاست آب شور تمنا
- ٣) چون سنگ سرمه، خاکش پیرایه نظرهاست / چشمی که یک نظر دید آن چشم سرمه‌سا را
- ٤) به هر شورش مده چون موج از کف دامن دریا / که باشد عقد گوهر خوشه‌ای از خرمن دریا

(اقتصادی انسانی ٩٩)

❖ تست ٦٧٥ کدام بیت فاقد مجاز است؟

- ١) گر بر سر خاک من بنشین و بر خیزی / تا محشر از این شادی برخیزم و بنشینم
- ٢) به غمزه نرگس مستت بریخت خون دلم / ولیکن از بر من جان به ناتوانی برد
- ٣) سر اگر در سرِ کار تو کنم دوری نیست / کان که در دست تو افتاد ز سر نندیشد
- ٤) سهل است به خون من اگر دست برآری / جان دادن در پای تو دشوار نباشد

(زبان ٩٩)

❖ تست ٦٧٦ در کدام بیت، تعداد تشبیه با دیگر ابیات تفاوت دارد؟

- ١) خال تو تا دانه و زلفین تو شد دام / کیست که مرغ دلش از دام برآمد
- ٢) گل بستان خرد لفظ دلارای من است / بلبل باغ سخن منطق گویای من است
- ٣) تیر بلای او را جز دل هدف نشاید / تیغ جفای او را جز جان سپر نباشد
- ٤) آن بناگوش دل افروز است یا مه یا چراغ / کز شب زلف تو چون شمع شبستان تافته است

(هنر ٩٩)

❖ تست ٦٧٧ بیش ترین مجاز در کدام بیت، یافت می‌شود؟

- ١) هر سروقد که بر مه و خور حسن می‌فروخت / چون تو درآمدی، پی کاری دگر گرفت
- ٢) بنال بلبل اگر با منت سر یاری است / که ما دو عاشق زاریم و کار ما زاری است
- ٣) یک سر بی‌کبر در نمرود زار خاک نیست / کاسه هر کس که می‌بینم ازین صهبا پر است
- ٤) می‌خواست گل که دم زند از رنگ و بوی دوست / از غیرت صبا نفسش در دهان گرفت



پاسخنامه تشریحی



- ۱ | ۱ (آینه در مصراع دوم به معنی لحظه) دو واژه یکسان با معنای متفاوت قافیه هستند نه ردیف.
۲ | ۲ کجا ... گذر توانی کرد - نمی توانی گذر کنی
- ۳ | ۲ قافیه‌ها - ایوان، دیوان / کرم، نعم
- ۴ | ۱ قافیه دارد (شجاعت، حقیقت، صداقت)، فقط قافیه در شعر سپید، جای مشخصی ندارد.
- ۴ | ۵ (۱) قالب شعر «الف» - نو (نیمایی) / قالب شعر «ب» - سپید (۲) شعر «الف» وزن دارد.
- ۴ | ۶ (۳) در هر دو شعر قافیه وجود دارد.
- ۴ | ۷ گزینه «۴» بیتی از یک غزل عارفانه است.
- ۴ | ۸ شعر نو قافیه دارد (بی سود / مطرود) ولی قافیه جای مشخصی ندارد.
- ۳ | ۹ چون اولین هجای آن «ن» صامت + مصوت کوتاه است.
- ۲ | ۱۰ چون مصراع اول قافیه ندارد.
- ۲ | ۱۱
- ۳ | ۱۲
- ۲ | ۱۳ دوبیتی پیوسته
- ۱ | ۱۴ ترجیع بند
- ۲ | ۱۵
- ۲ | ۱۶ مثنوی
- ۱ | ۱۷ قافیه‌ها - ۲) خندان، زندان، مستمندان ۳) حاجب، واجب، طالب ۴) برخاسته، آراسته، خواسته
- ۴ | ۱۸ دو قافیه‌ای - قافیه‌ها در مصراع اول - گوهر / بار (باریدن) / قافیه‌ها در مصراع دوم - زر / بار (بار کردن)
- ۱ | ۱۹ (۱) دو واژه بار در مصراع اول و دوم چون تفاوت معنایی دارند، قافیه هستند نه ردیف.
- ۱ | ۲۰ (۲) کم‌ترین مقدار سخن منظوم، مصراع است. (۳) کم‌ترین مقدار شعر، بیت است.
- ۱ | ۲۱ فقط در بیت اول، هر دو مصراع قافیه دارند.
- ۱ | ۲۲ نوع قافیه - دو قافیه‌ای / قافیه‌ها - ایوان، کرم / دیوان، نعم
- ۴ | ۲۳ نوع قافیه ابیات دیگر - میانی
- ۴ | ۲۴ تشبیه - مار سر زلف (اضافه تشبیهی) - ۱
- ۱ | ۲۵ تشبیه - بلبل ... خاطر حافظ / گلبن وصل (دو اضافه تشبیهی) - ۲
- ۲ | ۲۶ تشبیه - عنبر زلف (اضافه تشبیهی) / چون عود / آتش سودا (اضافه تشبیهی) - ۳
- ۳ | ۲۷ تشبیه - آتشم عشق (عشق، آتش است) / دلم عود / تنم مجمر (آتشدان) - ۳